

## ماده ۱۷۹ قانون مجازات ایران

و

مقایسه آن با شق ۲ از ماده ۳۲۴ قانون مجازات فرانسه  
بدو آ برای روشن شدن اذهان مادّین مذکور را از نظر گذرانده و بعد باصل  
مطلب می‌پردازیم.

ماده ۱۷۹: « هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش  
یا در حالتی که بمنزله در یک فراش است مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح  
یا ضرب یکی یا هر دو آنها بشود معاف از مجازات است هرگاه کسی بطریق  
مذکور دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی به‌بیند و در حقیقت هم علاقه زوجیت بین  
آنها نباشد و مرتکب قتل شود از یکماه تا ششماه بحبس تادیبی محکوم  
خواهد شد ..... »

و بموجب شق ۲ از ماده ۳۲۴ قانون مجازات فرانسه :

« هرگاه شوهر زن خود را در منزلی که معمولاً با هم زندگی  
میکنند La maison Conjugale با مردی در حال زنا مشاهده و مرتکب قتل یکی  
یا هر دو آنها بشود از معافیت قانونی ( موضوع ماده ۳۲۶ ) برخوردار  
خواهد شد . »

### ۱ - فلسفه و کیفیت معافیت مقیده در مادّین ۱۷۹ و ۳۲۴ .

برخی از اوقات صرفنظر از اینکه مجرمین در ارتکاب جرم سبق تصمیم ندارند اصولاً  
جرائم ارتکابی را بدون تفکر و تعقل و تحت تأثیر عواملی که آنها را کاملاً تحریک و تهییج  
نموده و از حال طبیعی خارج ساخته است انجام میدهند. چون این قبیل مجرمین اصولاً  
اشخاص خطرناکی برای اجتماع نیستند قانونگذاران مجازات آنها را بطور معتدبانه تخفیف  
داده و گاهی هم آنها را از مجازات معاف داشته اند.

در بعضی از کشورها از جمله کشور ایتالیا این معنی بصورت یک قاعده کلی  
در قانون مجازات قید شده است !

چنانکه بموجب ماده ۵۱ از قانون مجازات آن کشور در مواردیکه شخصی تحت  
تأثیر عوامل خارجی که اداره او را مختل و نتیجه در حال عصبانیت و قهر و غضب مرتکب  
جرمی میشوند قاضی مکلف است که پس از ثبوت این امر او را از معافیت قانونی برخوردار نماید.  
در برخی دیگر از کشورها از جمله کشور فرانسه این معنی بطور مطلق در قانون

## ماده ۱۷۹، قانون مجازات ایران

قید نشده است بلکه قانونگذار مواردی را که بنظر او جرائم ارتكابی ممکن است بر اثر تحریک و تهییج روحی صورت گیرد صریحاً در قانون ذکر و جز در جرائم محصوره قاضی نمیتواند متهمی را بلحاظ تحریک و تهییج روحی از معافیت قانونی برخوردار نماید.

قانون مجازات فرانسه در اینخصوص چهار مورد را که در حقوق جزای آنکشور تحت عنوان «Excuse de provocation» آمده است پیش بینی نموده که از این چهار مورد تنها یک مورد آن یعنی شق ۲ از ماده ۳۲۴ قانون مجازات آنکشور فعلاً مورد بحث ما است (۱)

در قانون مجازات ما قانونگذار بموضوع تحریک و تهییج روحی مجرمین توجهی نداشته و میتوان گفت که جز معافیت وتقلیل مجازات مقیده در ماده ۱۷۹ مورد دیگری را پیش بینی نموده است.

بدیهی است که این خود یکی از نقائص قانون مجازات ما است که میبایستی در رفع آن کوشید. گرچه اعمال کیفیات مخففه که بقاضی اجازه میدهد مجازات مجرمین را بطور معتدایی تخفیف دهد تا اندازه ای رفع این تقیصه را مینماید ولی با روشی که امروز تقریباً در تمام محاکم ما حکمفرما است و رعایت کیفیات مخففه بحق و نا حق برای کلیه بزهکاران اعمال میشود. میتوان گفت امتیازی برای این دسته از مجرمین که حقاً نبایستی در ردیف سایر مجرمین قرار گیرند باقی نماند!

در حقوق جزای فرانسه همانطور که ذکر شد ماده ۳۲۴ در مبحث «Excuse de provocation» معافیت بعلت تحریک روحی آمده است و فلسفه معافیت مقیده در این

(۱) سه مورد دیگر از معافیت بعلت تحریک و تهییج روحی یا «Excuse de provocation» در قانون مجازات فرانسه بدین شرح است.

۱ - بموجب ماده ۳۲۵ قانون مجازات فرانسه جنایت قطع آلت تناسلی «Crime de Castration» اگر فوری و مقدم بر اهانت شدید ناموسی باشد مرتکب در صورت وقوع قتل (بطریق اولی نقص عضو و جرح) از معافیت مقیده در ماده ۳۲۶ استفاده میکند. در اینجا بایستی متذکر شد که با توجه بصراحت ماده که کلمه فوری بکار برده شده است این بزه نیز بایستی بلافاصله و در حال عصبانیت صورت گیرد و چنانچه مرتکب باسبق تصمیم و خونسردی مرتکب این جرم بشود بدیهی است که از معافیت قانونی استفاده نخواهد کرد.

۲ - قتل و ضرب و جرح در صورتیکه متعاقب ضرب و جرح شدید نسبت باشخاص باشد (ماده ۳۲۱). بدینمعنی که اگر شخصی بر اثر ضربه یا جرح شدیدی که باو وارد شده است شدیداً عصبانی و متعاقباً و بدون فوت وقت ضارب را مجروح یا مقتول نماید از معافیت مقیده در ماده ۳۲۶ استفاده میکند.

۳ - بموجب ماده ۳۲۲ قانون مجازات فرانسه چنانچه قتل و ضرب و جرح نسبت باشخاصیکه در روز بمنزل یا محل سکنا کسی حمله و یا از دیوار بالا آمده و جرز را شکسته اند باشد قاتل یا ضارب از معافیت بعلت تحریک روحی استفاده میبرند.

## ماده ۱۷۹ قانون مجازات ایران

ماده نیز بنظر علمای حقوق آن کشور بعلل تحریک و تهییجی است که در موقع ارتکاب جرم برای متهم دست داده است.

بدیهی است که در قانون مجازات ما نیز معافیت مقیده در ماده ۱۷۹ در باره شوهر و پدر و برادر را بایستی بعلل تحریک و تهییج روحی دانست و حکم شماره ۱۳۳۳-۱۲ شهریور ۱۳۱۷ یکی از شعب دیوان عالی کشور که ذیلاً بنظر میرسد مؤید این معنی است:

**« مطابق ماده ۱۷۹ هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در يك فراش یا در حالتیکه بمنزله وجود در يك فراش است مشاهده کند و مرتکب قتل یا ضرب یکی از آنها یا هر دو بشود معاف از کیفر است این ماده ناظر بمواردی است که شوهر دفعهً مواجه با آن وضعیت شده و بواسطه هیجان روحی شدیدی که عارض او میشود مرتکب قتل یا جرح و ضرب گردد ... »**

اولی برخی را بعکس عقیده بر این است که قانون مجازات ما اصلاً توجهی بتهریک و تهییج روحی متهم نداشته و معافیت مقیده در ماده ۱۷۹ را از مصادیق معافیت حاصله از دفاع مشروع میدانند و بزعم آنها چون اشخاص مقیده در ماده ۱۷۹ برای دفاع از ناموس دست بارتکاب جرم زده اند از مجازات معاف میشوند نه بعلت تحریک و تهییج روحی، فلذا بموجب این عقیده شوهر یا پدر و برادر از یکی دیگر از موجبات معافیت «Fait Justificatif» یا عامل مشروعیت استفاده میکنند یعنی چون قانون بآنها اجازه ارتکاب جرم داده است اساساً عمل آنها مشروع بوده و نتیجه از مجازات هم معاف خواهند بود و روی همین اصل غالباً موارد مسلمة دفاع مشروع را با مورد ماده ۱۷۹ که یک مورد خاص است اشتباه میکنند و حکم شماره ۳۸ شعبه دیگر دیوان عالی کشور نیز که عیناً نقل میشود مؤید این معنی است:

**« گلاویز شدن با زن شوهر دار بقصد عمل شنیع بمنزله وجود در يك فراش محسوب است اگر شوهر با مشاهده این حال شخص گلاویز شونده را بکشد برطبق ماده ۱۷۹ از مجازات معاف خواهد بود . »**

که در اینجا با وصف اینکه عمل شوهر از مصادیق اظهر دفاع از ناموس بوده و مورد منطبق با شق ۲ از ماده ۱۸۸ قانون مجازات میباشد مع الوصف شعبه مذکور مورد را با ماده ۱۷۹ تطبیق نموده است در هر حال این عقیده بنا بجهات ذیل مردود بوده و معافیت مقیده در ماده ۱۷۹ و نتیجه عمل شوهر با پدر و برادر را در آن ماده نمیتوان از مصادیق دفاع مشروع دانست:

اولاً - قانونگذار در ماده ۱۷۹ صرفنظر از اجازه ارتکاب قتل و جرح و ضرب نسبت بمرد اجنبی، اجازه قتل و جرح و ضرب زدن را نیز بشوهر داده است و این معنی میرساند که نظر قانونگذار از ماده ۱۷۹ علی الاصول بموردی است که زن یا دختر و خواهر کسی

## ماده ۱۷۹ قانون مجازات ایران

برضا و رغبت با مرد اجنبی همبستر میشوند نه موارد یکمرد اجنبی بکره و اجبار قصد تجاوز بناموس کسی را دارد که این مورد اخیر مسلماً از موارد دفاع مشروع است که تکلیف آن چنانکه گذشت بموجب ماده ۱۸۸ و سایر مواد مربوط به دفاع مشروع تعیین شده است. بنابراین ماده ۱۷۹ مورد خاصی است و نبایستی آنرا با دفاع مشروع که مبحث عام و کلی است اشتباه نمود

ثانیاً - در دفاع مشروع چون قانون صریحاً اجازه دفاع را داده است علهذا عنصر قانونی جرم «Element légal» از بین میرود و عمل شخص مدافع را نمیتوان بارتکاب جرم تلقی نمود و نتیجه نبایستی هیچگونه مجازاتی در جق مدافع اعمال شود و حال اینکه می بینیم که قانون مجازات ما در شق ۲ از ماده ۱۷۹ مجازاتی برای پدر و برادر و قانون مجازات فرانسه در شق ۲ از ماده ۳۲۴ مجازاتی برای شوهر پیش بینی نموده است و این معنی مؤید آنست که قانون عمل نامبرده گان را دفاع مشروع ندانسته است.

ثالثاً - همانطور که ذکر شد دفاع در مقابل حمله بوده و علی الاصول موقعی صورت میگیرد که جرم در آستانه وقوع است و حال آنکه در تحریک و تهییج روحی موقعی شخص تحریک شده مرتکب جرم ثانوی میشود که جرم اولی واقع شده است.

بعبارة آخری در مرحله دفاع متهم برای جلوگیری از وقوع جرم دست بدفاع میزنند و حال اینکه در تحریک روحی عمل مرتکب جنبه انتقامجویی دارد.

رابعاً - ظاهراً شق اول از ماده ۱۷۹ مأخوذ از شق ۲ ماده ۳۲۴ قانون مجازات فرانسه است که ماده اخیر در حقوق جزای فرانسه در مبحث «Excuse de provocation» با معافیت بعلت تحریک روحی آمده است نه در مبحث دفاع مشروع «Légitime défense»

## ۲ - اختلاف بین مادتين ۱۷۹ و ۳۲۴

با اینکه بنظر میرسد که شق اول از ماده ۱۷۹ قانون مجازات ما مأخوذ از شق ۲ ماده قانون مجازات فرانسه است ولی در هر حال چند فرق اساسی بین مادتين مذکور بشرح زیر مشهود است :

الف - بموجب ماده ۳۲۴ قانون مجازات فرانسه محل وقوع جرم بایستی در منزل زناشوئی «La maison conjugale» یعنی منزلیکه زن و شوهر معمولاً در آنجا با هم زندگی میکنند باشد.

بنابراین طبق قانون فرانسه اگر مردی زن خود را با مرد اجنبی در غیر از منزل خود در حال زنا مشاهده کند و مرتکب قتل یکی یا هر دو آنها بشود نمیتواند از معافیت قانونی استفاده نماید و حال اینکه در ماده ۱۷۹ قانون مجازات ما چنین شرطی موجود نبوده و شوهر در هر محلی که زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالتیکه بمنزله وجود در یک فراش است مشاهده و مرتکب قتل یا ضرب و جرح یکی یا هر دو آنها بشود از مجازات معاف است. چنین بنظر میرسد که قانون مجازات ما در این مورد از قانون مجازات فرانسه بهتر

ماده ۱۷۹ قانون مجازات ایران

است چه فلسفه معافیت شوهر از مجازات بعثت عصبانیت و تحریک و تهییجی است که ازدیدن آن کیفیت برای او دست داده است.

بدیهی است که کیفیت مذکور تابع محل وقوع جرم نبوده و با تغییر منزل خشم و غضب مرد زائل نمیشود روی همین اصل است که حقوقدانان آنکشور نیز متوجه این نقص قانونی شده اند.

ولی «GARRAUD» که از حقوقدانان قدیمی فرانسه است فلسفه وضع قانون را در این مورد اینطور توجیه میکند که اگر قانونگذار این اختیار را برای شوهر در هر حال و در تمام اماکن و منازل قائل میشد آنوقت مردم در خانه‌های خود بر اثر تردد و تجسس شوهران بدگمان درامان نبودند!

گرچه این نحوه استدلال نمونه‌ای از طرز تفکر جامعه فرانسوی است و میرساند که آزادی فردی را تا آنجا محترم می‌شمارند که مغل آزادی دیگران نشده و نظام اجتماع را بهم نزنند.

ولی در هر حال بایستی متذکر شد که قانونگذار فرانسوی مضافاً بتحریک و تهییج روحی چون خانه و کاشانه زن و شوهر را محل مقدس دانسته که در آنجا جز تربیت کودکان و درستی و صفا نبایستی حکمفرما باشد لذا پیش بینی نموده است که اگر زنی گستاخی و وقاحت را با آنجا رساند که در این محل مقدس بشوهر خود خیانت کرد و شوهر نیز او را در آن حال مشاهده و بر اثر عصبانیت مرتکب قتل یکی یا هر دو آنها شد بایستی از معافیت قانونی برخوردار گردد.

این معنی از آنجا پیدا است که اصولاً قانونگذار فرانسه در شق اول از ماده ۳۲۴ در قتل و ضرب و جرح استناد بتحریک و تهییج روحی را در مورد زن و شوهر قبول نکرده است یعنی هر کس میتواند در مواردیکه قانونگذار پیش بینی نموده است در ارتکاب بقتل بتحریک و تهییج روحی استناد کند جز زن و شوهر که تنها برای شوهر یکمورد را پیش بینی نموده که آنهم شق ۲ از ماده ۳۲۴ است که شرح آن گذشت.

ب- بنظر حقوقدانان فرانسوی با استنباط از مادتين ۳۳۶ و ۳۳۹ قانون مجازات آنکشور چنانچه مرد برای خود هم‌خوابه‌ای «Concubine» در منزل زناشویی «la maison conjugale» نگاهداری نموده باشد در این حال اگر زن خود را با مرد دیگری در همان منزل و در حال زنا مشاهده نماید و مرتکب قتل یا ضرب و جرح یکی یا هر دو آنها بشود دیگر نمیتواند از معافیت قانونی استفاده نماید چه بموجب ماده ۳۳۶ زنای زن جز بموجب اعلام شوهر قابل تعقیب نخواهد بود و این حق از شوهر نیز ساقط میشود اگر موضوع از مصادیق و بموجب ماده ۳۳۹ چنانچه مردی هم‌خوابه‌ای در منزل نگاهداری نماید بر اثر شکایت زن خود به جرمه‌ای از ۳۶۰۰۰ فرانک تا ۷۲۰۰۰۰ فرانک محکوم میشود.

بنابراین با توجه بقسمت اخیر ماده ۳۲۶ ناظر بماده ۳۳۹ که مشعر بر این است که اگر مردی برای خود هم‌خوابه‌ای در منزل نگاهداری نماید دیگر حق ندارد زنای زن خود را اعلام نماید.

## ماده ۱۷۹ قانون مجازات ایران

و چون برای استفاده از ماده ۳۲ ع بدو بایستی زناى زن از ناحیه شوهر اعلام شود و از آنجا که این حق با نگاهداری همخوابه‌ای در منزل از او ساقط شده است عل‌هذا استفاده از ماده ۳۲ ع برای او مقدور نمیباشد.

ج - اختلاف اساسی دیگری که بین شق اول از ماده ۱۷۹ قانون مجازات ما با شق ۲ از ماده ۳۲ ع قانون مجازات فرانسه موجود است این است که در قانون مجازات ما شوهر در صورت ارتکاب قتل یا ضرب و جرح از تمامی مجازات معاف میشود و حال اینکه در قانون مجازات فرانسه شوهر از تمامی مجازات معاف نشده و مثل شق ۲ از ماده ۱۷۹ قانون مجازات ما که قانونگذار مجازات پدر و برادر را بطور معتنا بهی تقلیل داده است در قانون فرانسه هم مجازات شوهر بموجب ماده ۳۲۶ قانون مجازات آنکشور بطور معتنا بهی تقلیل مییابد. بدیهی است که ماده ۳۲۶ صرفاً ناظر بماده ۳۲ ع نبوده بلکه یک قاعده کلی است برای تقلیل مجازات کلیه متهمینی که طبق قانون میتوانند از معافیت بعلم تحریک و تهییج روحی «Excuse de provocation» استفاده نمایند.

بموجب این ماده در صورت وقوع قتل چنانچه مجازات متهم اعدام و یا حبس دائم با اعمال شاقه باشد مجازات او بحسب تأدیبی از یکسال تا پنجسال تبدیل خواهد شد (بدیهی است در اینجا باز قاضی میتواند از کیفیات مخفقه عمومی - Des circonstances atténuantes générales استفاده نموده و مثل سایر امور جنحوی مجازات مذکور را حتی تا یکروز حبس<sup>(۱)</sup> تقلیل و یا او را بجزای نقدی تبدیل نماید) و سایر جنایات مجازات متهم بحسب تأدیبی از ششماه تا دو سال و در امور جنحه مجازات به شش روز تا ششماه حبس تأدیبی تبدیل خواهد شد.

د - اختلاف دیگری که بین مادتين ۱۷۹ و شق ۲ از ماده ۳۲ ع موجود است این است که در ماده ۳۲ ع قانون مجازات فرانسه اسمی از ضرب و جرح برده نشده است و تنها بذکر ارتکاب قتل توسط شوهر اکتفا شده است ولی بر حسب نظریه حقوقدانان آنکشور از جمله «H. Donnedieu de Vabre» و رویه قضائی دیوانعالی کشور فرانسه ضرب و جرح هم مشمول این ماده بوده و شوهر در صورت ایراد ضرب و جرح میتواند از معافیت قانونی استفاده نماید.

ه - بالاخره بایستی متذکر شد که شق ۲ از ماده ۱۷۹ قانون مجازات ما یعنی تقلیل مجازات پدر و یا برادریکه دختر یا خواهر خود را بشرح منعکسه درآئوده مشاهده و مرتکب قتل یا ضرب و جرح میشوند در قانون مجازات فرانسه پیش‌بینی نشده است.

## ۴ - موقعیت زانی و زانیه در مقابل حمله شوهر

در اینجا بی‌تناسب نیست که موقعیت مرد و زن زانی و زانیه را در مقابل حمله (۱) در قانون مجازات فرانسه در صورت رعایت کیفیات مخفقه در امر جنحه برخلاف قانون مجازات ما که تا یازده روز حبس کمتر نمیتواند حکم داد میتوان مجازات را تا یکروز حبس هم تقلیل داد.

شوهرتشریح نمائیم. یعنی، شوهریکه زن خود را بامرد اجنبی دریک فراش مشاهده مینماید و در آن حال دست باسلحه برده و بآنها حمله میکند.

حال اگر درقبال حمله شوهر مرد یا زن نیز بنوبه خود در مقام دفاع برآمده شوهر را مقتول یا مجروح نمایند آیا عمل آنها از مصادیق دفاع مشروع محسوب میشود؟

بعبارة اخری آیا میتوان آنها را باین استدلال که چون خود را باخطر حتمی الوقوع مواجه دیده و در مقام دفاع از خود مرتکب قتل شوهر شده‌اند از مجازات معاف داشت؟

قانون مجازات ما و قانون مجازات فرانسه هر دو در این مورد ساکت‌اند و سابقه اینها در این خصوص در رویه‌های قضائی هیچیک از دو کشور موجود نمیباشد ولی یکی از اساتید دانشکده حقوق پاریس بنام «G - Stéfani» در یکی از تألیفات خود بنام حقوق جزای عمومی و جرم‌شناسی «Droit penal général et criminologie» باین مسئله توجه و دفاع متقابل مرد و زن زانی و زانیه را در قبال حمله شوهر از مصادیق دفاع مشروع دانسته و آنها را معاف از مجازات میدانند. و حق هم همین است زیرا:

درست است که قانون در این مورد شوهر را از مجازات معاف و یا مجازات او را تقلیل داده است (قانون فرانسه) ولی این معنی اصل جرم را از بین نبرده بلکه جرم بقوت خود باقی و تنها مجرم از مجازات معاف میشود بعبارة اخری قانون در اینجا بشوهر دستور ارتکاب جرم را نداده است بلکه بعقل تحریک و تهییج روحی شوهر را از مجازات معاف میدارد لذا عنصر قانونی جرم «element legal» بقوت خود باقی و چون دو عنصر دیگر که عبارتند از عنصر روحی «element moral» و عنصر مادی «element matériel» نیز موجود می‌باشند بنابراین وقوع جرم محرز و از آنجا که قانون اجازه دفاع را در مقابل ارتکاب جرم داده است علتهذا عمل متقابل زانی و زانیه در مقابل عمل شوهر که جرم است دفاع مشروع بوده و نامبردگان از مجازات معاف هستند و فرق است بین این حالت با حالتی که قانونگذار یا آمر قانونی صریحاً دستور بارتکاب عملی که قبلاً آنرا جرم دانسته است میدهد.

مثلاً مأموریکه بحکم قانون محکوم باعدامی را بیپای چوبه‌دار میرد اگر در حین اجرای حکم محکوم فرجه‌ای پیدا کرده و مأمور را از پای در آورده فرار نماید بدیهی است که عمل محکوم (صرفنظر از وجود ماده ۱۸۷ قانون مجازات عمومی) از مصادیق دفاع مشروع نخواهد بود زیرا مأمور بامر قانون مأمور اجرای حکم بوده است و در اینجا برخلاف فرض فوق یکی از ارکان سه‌گانه جرم یعنی عنصر قانونی موجود نبوده و نتیجتاً عمل مأمور جرم نمیباشد تا بتوان در مقابل آن دفاع مصداق پیدا نماید.

در اینجا ممکن است این بحث پیش آید که چطور در مورد شوهری که ناموسش بریاد رفته چنانکه مرتکب قتل یا جرح و ضرب زانی و زانیه بشود اصل جرم از بین نمیرود و حتی در قانون مجازات فرانسه و شق ۲ از ماده ۱۷۹ قانون مجازات ما صرفنظر از بقاء جرم مجازاتی در حق شوهر یا پدر و برادر نیز اعمال میشود ولی بالعکس چنانچه زانی و زانیه مرتکب قتل یا جرح و ضرب نسبت بشوهر یا پدر و برادر بشوند صرفنظر از اینکه مجازات نخواهند شد جرم هم از بین خواهد رفت و هیچگونه اثری از این حیث در سجل کیفری آنها باقی نمیماند؟

## ماده ۱۷۹ قانون مجازات ایران

گرچه در بادی امر این مسئله برخلاف اجرای عدالت بنظر میرسد ولی در حقیقت و نفس اینطور نبوده و با توجه باصول مسلمة حقوق جزا که روی احتیاجات ضروری و مصالح اجتماعی تدوین شده است هیچگونه ایرادی بر این نحوه از استدلال وارد نمیشد.

زیرا ما میدانیم که قانون بمنظور حفظ نظام اجتماع و جلوگیری از هرج و مرج حق قضاوت و اجرای مجازات را از اصحاب دعوی سلب و بمرجع بیطرفی یعنی بقوه قضائیه رجوع نموده است.

و چون قانون برای اعمالیکه خود منع کرده است مجازاتی تعیین نموده بدیهی است که این از وظایف قوه قضائیه است که مجرمین را بکیفر اعمالشان برساند.

پس در مانحن فیه یعنی رابطه زن شوهر دار با مرد اجنبی هم از این قاعده کلی مستثنی نبوده و قانون مجازات ما و همچنین قانون مجازات فرانسه مجازاتی برای این امر پیش بینی نموده اند که طبق شکایت شوهر متهمین بوسیله دستگاه قضاة بکیفر قانونی خود خواهند رسید.

بنابراین مسلم است که در ماده ۱۷۹ و شق ۲ از ماده ۳۲۴ قانون مجازات فرانسه قانونگذار حق قضاوت و اجرای مجازات زانی و زانیه را بشوهر یا پدر و برادر تفویض ننموده است.

بلکه نامبردگان هم مثل سایر مجرمین حریم قانون را شکسته و مرتکب جرم شده اند منتهای مراتب چون این قبیل اشخاص همانطور که گذشت بزه خود را در حالت غیر عادی انجام داده اند و از آنجا که حق نیست این قبیل مجرمین را با مجرمین دیگری که در حال طبیعی و آرامش روح مرتکب جرم میشوند در یکردیف قرارداد این است که قانونگذاران مجازات آنها را بطور معتنا بهی تقلیل داده و حتی در شق اول ماده ۱۷۹ قانون مجازات ما که شاید قانونگذار درجه تأثر و تعصب هر شوهر را در این قبیل موارد بمرحله جنون رسانده است و او را کاملاً از مجازات معاف میدارد.

ولی باید متذکر شد که ما در مقابل حمله شوهر با اصل بالاتر و کلی تری که تقریباً همه قوانین دنیا آنرا قبول کرده اند و عبارت از دفاع مشروع است برخورد میکنیم که قانونگذار از نظر مصلحت اجتماع و حفظ نظم عمومی اجرای آنرا با رعایت شرائطی تجویز نموده است.

چنانکه ماده ۱۸۵ قانون مجازات ما استعمال هر گونه مقاومت و قوه ای را برای دفاع از نفس و عرض جایز دانسته است.

بنابراین با صراحت قانون و نظر بر مراتبی که فوقاً ذکر شد باین نتیجه میرسیم که در جرائم حاصله از دفاع مشروع چون عنصر قانونی جرم موجود میباشد عبارت اخیری چون قانون آنرا منع نکرده و تجویز نموده است اساساً جرمی واقع نشده و نمیتوان بمدافع نسبت ارتکاب جرم داد چنانکه ماده ۳۲۸ قانون مجازات فرانسه نیز قتل و جرح و ضرب حاصله از دفاع مشروع را جنایت و جنحه ندانسته و به آنها اطلاق جرم نمیدهد.

«Art. 328 Il n'y a ni crime ni délit, lorsque l'homicide, les belessures



#### ماده ۱۷۹ قانون مجازات ایران

et les coups etaient commandé par la nécessité actuelle de la légitime défense de soi-même ou d'autrui»

بنابراین در مورد زانی و زانیه که در مقابل حمله شوهر بدفاع پرداخته و مرتکب قتل یا ضرب و جرح نسبت باو میشوند چنانچه اصل جرم از بین میرود بلحاظ این است که از دفاع مشروع استفاده میکنند.

و حال اینکه شوهر و یا پدر و برادر که مرتکب قتل یا ضرب و جرح نسبت بزانی و زانیه شده‌اند چون در هر حال مجرم هستند اصل جرم باقی و صرفاً بعلت تهییج و تحریک روحی است که از معافیت قانونی استفاده می‌برند.

نهایت چون قدرت و آثار این معافیت بمراتب از معافیت حاصله از دفاع مشروع کمتر میباشد اصل جرم باقی میماند و برخی که بباطن قضیه توجهی ندارند این نحوه از قضاوت را بر خلاف اجرای عدالت تصور نموده‌اند.

#### ۴ - شرایط لازم برای استفاده از ماده ۱۷۹

اولین شرط لازم برای استفاده از ماده ۱۷۹ این است که شوهر یا پدر و برادر شخصیرا ناظر کیفیت منعکسه در ماده مذکور باشند بنا براین اگر عده کافی برای آنها شهادت بدهند که زن یا دختر و یا خواهر آنها را با مرد اجنبی بشرح مندرجه در ماده ۱۷۹ مشاهده نموده‌اند شوهر یا پدر و برادر نمیتوانند باستناد ماده مذکور مرتکب جرمی بشوند زیرا ماده ۱۷۹ صراحت دارد باینکه اشخاص مذکور شخصاً آن کیفیت را مشاهده و مرتکب جرم شوند نه اشخاص غیر.

**ثانیاً -** بزهای مذکوره در ماده ۱۷۹ (قتل و ضرب و جرح) بایستی فوری صورت گیرد بنا براین اگر شوهر پس از ملاحظه آن وضع بلافاصله مرتکب بزهای مذکوره نشود بعداً نمی‌تواند باستناد اینکه قبلاً زن خود را با مرد اجنبی بشرح منعکسه در ماده ۱۷۹ مشاهده نموده است مرتکب قتل یا جرح و ضرب نسبت باو بشود.

زیرا همانطور که ذکر شد فلسفه معافیت مرد از مجازات حالت عصبانیت و تحریکی است که پس از دیدن آن واقعه برای او دست داده است بنا براین اگر در آن حال مرتکب جرم نشود بعداً که بر اعصاب خود مسلط شد و خونسردی را بدست آورد بدیهی است چنانکه مرتکب جرمی شود چون بزه خود را در حالت عادی و باخون سردی انجام داده است استفاده از معافیت مذکوره در ماده ۱۷۹ برای او مقدور نمیباشد.

**ثالثاً -** ارتکاب بزهای مقیده در ماده ۱۷۹ (قتل و ضرب و جرح) از ناحیه شوهر یا پدر و برادر نبایستی باسبق تصمیم باشد بلکه اشخاص مذکور بایستی بدون تمهید و تهییه هیچگونه مقدمه‌ای آن صحنه را مشاهده و مرتکب جرم بشوند.

بنا براین اگر نامبردگان باسبق تصمیم مرتکب بزهای مقیده در ماده ۱۷۹ بشوند مثلاً شوهری که از رابطه نامشروع زن خود با مرد اجنبی اطلاع حاصل نموده است باطرح و نقشه قبلی وضع را طوری آماده نماید که زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا درحالتیکه بمنزله وجود در یک فراش است مشاهده نماید و سپس با اسلحه‌ایکه قبلاً برای اینکار آماده نموده است آنها را بقتل برساند بدیهی است از معافیت مقیده در ماده ۱۷۹ استفاده نخواهد برد.

زیرا در اینجا باز بفرسافه معافیت مذکور برخوردار میکنیم که صرفاً برای حالت عصبانیتی است که دفعة واحده بمرد دست میدهد که اینحالت مخصوص در بزهایی که باسبق تصمیم انجام میشود مصداق پیدا نمیکند و در موضوع مانحن فیه نیز چنانچه سبق تصمیم موجود باشد چون قبل از مشاهده صحنه مرقوم از ناحیه شوهر اساساً نطفه جرم منعقد شده وحتی چون شوهر انوضع را پیش بینی مینموده است وبعبارة آخری مشارالیه منتظر و مترصد وقوع جرم بوده لذا بزه خود را در کمال خونسردی و آرامش روحی انجام داده است نه در حالت عصبانیت و خروج از حال طبیعی که منظور غائی ماده ۱۷۹ بوده است.

**رابعاً** شوهریاید رویرا درپس از مشاهده آن کیفیت بایستی یکی از جرائمی که در ماده ۱۷۹ بان اشاره شده است مرتکب شوند یعنی بایستی مرتکب قتل یا جرح یا ضرب (جرائم خونی) بشوند نه جرائم دیگری.

حال در اینجا این بحث پیش میاید که اگر نامبردگان مرتکب جرائم دیگری غیر از قتل و جرح ضرب بشوند تکلیف چه میشود.

مثلا شوهریکه زن خود را با مرد اجنبی بکیفیت مقیده در ماده ۱۷۹ مشاهده نموده است حال اگر بجای قتل آنها را توقیف نماید با اینکه این بزه خفیفتر از بزه قتل است آیا در اینصورت میتواند اگر بجای قتل آنها توقیف نماید با اینکه این بزه خفیفتر از بزه قتل است آیا در اینصورت میتواند از معافیت مندرج در ماده ۱۷۹ استفاده نماید؟

بدیهی است نظر بصراحت ماده ۴۳ قانون مجازات عمومی که بموجب آن ؛

**« هیچ جنایت و جنحه ای را نمیتوان عفو و یا مجازات آنرا تخفیف داد مگر در مواردیکه قانون آنرا قابل عفو دانسته و یا در مجازات آن تخفیفی داده است »**

و نظر باینکه در ماده ۱۷۹ نیز قانون صرفاً قتل و جرح ضرب را از مجازات معاف یا قابل تخفیف دانسته است علهذا ارتکاب جرائم دیگری از ناحیه شوهر یا پدر و برادر و لوائیکه ضعیفتر از جرائم مقیده در ماده ۱۷۹ باشد قابل معافیت و تخفیف نبوده و هیچگونه مجوز قانونی نخواهد داشت. در اینجا باز هم یکی از موارد اختلاف بین معافیت مقیده در ماده ۱۷۹ با دفاع مشروع ظاهر و هویدا میشود. چه در دفاع مشروع بالعکس شخص مدافع مجاز است که برای حفظ جان خود جرائم خفیفتری را نسبت بانچه که قانون صریحاً اجازه داده است مرتکب شود.

زیرا در دفاع مشروع تجویز قتل و جرح و ضرب اصولاً برای حفظ حقوق شخص مدافع است و مادام که شخص مدافع بتواند با ارتکاب جرائم خفیفتری حقوق خود را در مقابل حملات شخص ثالث حفظ نماید بطریق اولی باز هم از مجازات معاف خواهد بود.

گرچه در اینجا ممکن است این توهم پیش آید که چون قانونگذار در مواد مختلفه قانون مجازات ( ۱۸۴ و ۱۸۸ و ۱۸۹ ) در مقام دفاع مشروع همه جا ارتکاب قتل و ضرب و جرح را تجویز نموده است و با وجود ماده ۴۳ فوق الاشعار توجیه استدلال فوق در دفاع مشروع نیز مبنای قانونی لازم دارد فلذا ادعا شود که در اینجا هم شخص مدافع نمیتواند مرتکب جرائمی غیر از قتل و جرح و ضرب بشود ولی باتوجه بصراحت ماده ۱۸۵ قانون مجازات که طی آن قانونگذار بطور مطلق استعمال هر گونه مقاومت و قوه ایرا در مقابل حمله تجویز نموده است.

## ماده ۱۷۹ قانون مجازات ایران

بنابراین می‌بینیم که قانون با ذکر استعمال هرگونه مقاومت وقوه دست مدافع را بازگذاشته و شخص مدافع برخلاف اشخاص مشروحه در ماده ۱۷۹ (شوهر و پدر و برادر) میتواند برای خنثی نمودن عمل حمله کننده مرتکب جرائم دیگری غیر از قتل و ضرب و جرح بشود مثلاً حمله کننده را تا ورود مأمورین بازداشت نماید و غیره.

**خامساً** - بالاخره آخرین شرط لازم که اختصاص بشق ۲ از ماده ۱۷۹ دارد این است که درحقیقت بین مرد اجنبی یا دختر یا خواهر شخص هیچگونه علقه زوجیتی موجود نباشد یعنی پدر و برادریکه دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی مشاهده مینماید در صورتی پس از ارتکاب قتل یا جرح و ضرب از تخفیف مقیده در آنماده استفاده می‌برند که هیچگونه علقه زوجیتی بین دختر یا خواهر آنها با مرد اجنبی موجود نباشد.

بنابراین اگر بین دختر یا خواهر شخصی با مرد اجنبی عقد نکاح (اعم از دائم یا منقطع) جاری شده باشد پدر یا برادر آن زن در صورت ارتکاب جرم از تخفیف مذکور استفاده نخواهند برد. در اینجا باید دید که در شق ۲ از ماده ۱۷۹ چرا قانونگذار پس از ذکر کلمه (مرد اجنبی) سپس اضافه مینماید «...» و درحقیقت هم **علاقه زوجیت بین آنها نباشد**؟

مگر نه اینست که مرد اجنبی از تاریخ وقوع عقد صفت اجنبیت را از دست داده و عنوان شوهر دختر و یا شوهر خواهر مرد را پیدا میکند؟ در اینصورت با وجود علقه زوجیت دیگر اطلاق کلمه مرد اجنبی درباره او حشو زائد و اسم بی‌سمائی بیش نخواهد بود.

مضافاً توهم اینکه مردی دختر یا خواهر خود را با شوهرش در یک فراش مشاهده و سپس مرتکب قتل یا جرح و ضرب نسبت بانها بشود معقول بنظر نمیرسد. پس باید دید که منظور قانونگذار در تدوین ماده بدین نحو چه بوده است؟

بدیهی است که نظر قانونگذار در اینجا صرفاً بموردی است که دختر یا خواهر مردی بدون اطلاع او ازدواج کرده و آن مرد از این علاقۀ زوجیت اطلاع حاصل ننموده باشد که در اینصورت گرچه درحقیقت بین دختر و یا خواهر با شوهرش علاقۀ زوجیت موجود است ولی چون پدر یا برادر از این علاقۀ بی‌اطلاع هستند این است که ظاهراً برای آنها شوهر مرد اجنبی تلقی میشود.

معدالک قانونگذار جهالت مرد را بروجود علقه زوجیت بین دختر و شوهرش رافع مسئولیت ندانسته و رعایت تخفیف مقیده در شق ۲ از ماده ۱۷۹ را درباره چنین مردی لازم نمیداند و حق هم همین است.

زیرا مردی که بسرنوشت دختر یا خواهر خود آنقدر بی‌علاقه باشد که از ازدواج او با مردی اطلاع حاصل نکرده باشد یقیناً در ارتکاب قتل دوفرد بیگناه ولو اینکه محرک او عصبانیت و ناراحتی روحی باشد مستحق وسزوار ارفاق کلی بمعنای ماده ۱۷۹ نبوده و تنها قاضی میتواند نظر باوضاع احوال قضیه او را از کیفیات مخفیه عمومی برخوردار نماید.